

ظهور و بروز عنایات الهیه بواسطه تحمل بلایا

فاطمه زهرا هدایت

این مقاله تحقیقی است پیرامون این بیان حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه مکنونه عربی، قوله العزیز: "یا ابن الانسان بلائی عنایتی، ظاهره ناز و نغمه و باطنه نور و رحمة . . ."

مفهوم بلا در آثار مبارکه همراه و مترادف با مفاهیمی چون امتحان، افتنان، مصیبت، مشقت، سختی، بأساء، ضراء، بلیه، رزیه، محنت، تعب، رنج، الم و . . . بکار رفته است. مفهوم عنایت نیز در آثار مبارکه معادل کلمات و مفاهیمی بکار رفته است که اهم آن عبارتست از: موهبت، رحمت، مرحمت، شفقت، عزت، فضل، لطف، عون، جود، کرم، تائید، توفیق، . . .

آثار نافذه عنایات الهیه بواسطه تحمل بلایا در سبیل الهی، چه در این عالم و چه در عالم بعد با توجه به آثار الهیه و پیام‌های معهد اعلی امری است انکارناپذیر، چنان که قلم اعلی خطاب به یاران الهی می‌فرمایند: " . . . شاید آن چه وارد شده بر شما سبب و علت ظهورات عنایات غیبیه الهیه شود. . ."^۱

و نیز می‌فرمایند: " قسم به نیر افاق معانی، که از این مظلومیت آثار قدرت و عزت در ابداع ظاهر خواهد شد. . . نفسی که لخب الله از نفسی برآید، در عالم اثر عظیم دارد؛ تا چه رسد بلایا و رزایی که در سبیل الله بر نفسی وارد شود."^۲

حضرت عبدالبهاء در خصوص اثرات مظلومیت می‌فرمایند: " . . . مظلومیت کبری، غالبیت است و محویت و فنا، عزت ابدیه . . ."^۳

بیت العدل اعظم نیز در پیام مورخ شهرالکمال ۱۵۰ بدیع در این خصوص مرقوم داشته‌اند:

"لهذا بندگان آستان یزدان در کشور مقدّس ایران کماکان فدایی جانانند و در میدان استقامت و وفا شهسواری پُرتوان. زیرا یکصد و پنجاه سال تجربه نموده‌اند که مظلومیت در سبیل عشق، فاتحیت است، غالبیت است و مرضی درگاه احدیت است، علی‌الخصوص در این ایام؛ زیرا که هر تجاوز و تجاوزی را که به دل و جان تحمّل نمایند، آنآ آثار مثبتۀ نافذۀ اش در عالم وجود ظاهر شود و فوراً نتایج عظیمه‌اش در ترقی و تقدّم امر عزیز الهی ملاحظه گردد. . ."

لهذا در این مقاله قصد آن است که ثمرات و بلاای واردۀ در این دور مبارک و به عبارت دیگر مصادیق بیان مبارکۀ "بلائی عنایتی. . ." در این ظهور اعظم در حدّ فهم و ادراک بشری ما مورد بررسی قرار گیرد.

الف- ثمرات و نتایج بلایا برای امر بهائی

حضرت بهاءالله در لوح مبارک سلطان، بلا را به منزلهٔ بارانی برای مزرعۀ سرسبز امرالهی و فتیله‌ای برای مصباح آئین ربّانی بیان می‌فرمایند، قوله تعالی: "...قد جعلَ

اللهَ الْبَلَاءَ غَادِيَةً لِهَذِهِ الدُّسْكُرَةِ الْخَضِرَاءِ وَ ذِبَالَةً لِمِصْبَاحِهِ الَّذِي بِهِ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ."^۴

حال با تأمل و غور در بیان مبارکۀ فوق، به ذکر برخی از مهمترین فتوحات و توفیقات حاصله از بروز بلایا و مصائب می‌پردازیم:

۱- اشتها و ارتفاع امرالله

اگر تاریخ امر بهائی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد، ملاحظه می‌گردد از سویی شریعت الهی پیوسته مورد هجوم امواج خروشان بلایا از جانب معاندین و مغرضین امرالهی بوده است و از سویی دیگر به موازات هر ضربه‌ای که بر پیکر امرالهی وارد گردیده، به عنایات و تأییدات الهیه، توفیقات و انتصارات بسیاری نیز شامل حال گردیده است. برای مثال با طلوع امر الهی در شیراز، مخالفین این امر نازنین درصدد اضمحلال و نابودی آن برآمدند. در این راستا حضرت اعلیٰ را پس از ایداء و اذیت بسیار به قلاع ماکو و چهریق نفی نمودند تا به گمان باطل خود، شعلۀ

آئین الهی در آن خطه دور افتاده خاموش گردد. غافل از آن که نتایج محبوسیت سه ساله در این دو قلعه، نزول آیات و آثار الهی از جمله کتاب مستطاب بیان همراه با تشریح احکام، اعلان قائمیت آن حضرت در مجلس ولیعهد و مهمتر از همه بشارت به قرب ظهور من یظهره الله بود.^۵

نمونه دیگر، مسجونیت و نفی جمال اقدس ابهی می باشد. مخالفین امرالهی موعود کل اعصار را در سجن سیاه چال طهران مسجون و محبوس نمودند، اما نتیجه اش ظهور سنه تسع و اظهار امر خفی آن حضرت گردید.^۶ معاندین، آن ذات مقدس را به اتفاق عائله و جمعی از همراهان به عراق عرب تبعید نمودند به این امید که ندای امرالهی را در خارج از ایران خاموش نمایند اما غافل از آن که خروج آن حضرت از اقلیم ایران، منتج به اظهار امر علنی ایشان در باغ رضوان و اشتهار و اعتلای امرالهی در خارج از کشور گردید. قلم اعلیٰ در لوحی از الواح مبارکه راجع به اثرات این مهاجرت چنین می فرمایند:

"... جمیع این بلایا به منزله ذهن است برای اشتعال این مصباح. کذلک یبدل الله ما یشاء و انه علی کل شیء قدیّر. چنان چه از هجرت این مهاجران به این سمت، اشتهار و علو این امر، جمیع امکانه ارض را احاطه نموده؛ چنانچه اهل این اطراف مطلع شده اند و این نصرت را سلطان احدیه به ید خود اعلاء فرمود؛ من دون آن که احدی مطلع شود و یا شاعر باشد..."^۷

این بحرانها و پیروزیها در تمام طول تاریخ امر اتفاق افتاده است، چنانکه حضرت عبدالبهاء در لوحی از الواح مبارکه، در بیان ثمرات بلایای وارده بر شهدای یزد می فرمایند: "... و اما از جهت امرالله، این واقعه عظمی سبب اعلاء کلمه الله گردد و نشر نفعات الله. نسمة الله به هبوب آید و نیز موهبه الله طلوع کند. امر صد مرتبه عظیم تر شود و رایت الهیه بلندتر گردد..."^۸

۲- ارتقای امرالله و توسعه نظم اداری بهائی

یکی از فتوحاتی که در نتیجه تحمل مصائب و مشقات نصیب جامعه امر مبارک گشته ارتقای امرالله در جهت طی مراحل هفت گانه امر بهائی یعنی مراحل

مجهولیت، مظلومیت و مقهوریت، انفصال، استقلال، رسمیت، تأسیس سلطنت الهیه، تشکیل محکمه کبرای بین‌المللی همراه با اعلان صلح عمومی می‌باشد.^۹ به عنوان نمونه در ایران در طیّ سنوات اخیر که یاران مهد امرالله مورد تضییقات و محرومیت‌های شدیدی قرار گرفتند از جمله نتایج استقامت و جانفشانی آن عزیزان این بود که توجه انظار عمومی و خصوصاً مراجع بین‌المللی به امر جلب گردد، آیین مقدّس الهی در مجامع جهانی مطرح شود و در نتیجه امر الهی از مجهولیت خارج گردد. بیت‌العدل اعظم در پیام مورّخ رضوان ۱۹۸۴ میلادی پس از ذکر بلایای وارده بر پیروان امر مبارک در مهد امرالله اینگونه می‌فرمایند:

"ثبوت و رسوخ بی‌مانند و استقامت دلیرانه آن یاران راستان در بند، منشاء و سرچشمه خروج امر ربّ‌البریه از مجهولیت شده است و هم چنین مصائب و متاعب آن خادمین باوفا، منتجّ به پیشرفت و اعتلای بی‌سابقه در نشر نفحات‌الله و انتشار کلمه‌الله در سراسر جهانی که شدیداً و نومیدانه نیاز به قوه قاهره شفابخش آن دارد، شده است. . ."

اشتهار امرالله، مطرح شدن آن در مجامع بین‌المللی، اقبال نفوس به امر الهی و در نتیجه ازدیاد نفوس مؤمن در ممالک و نقاط مختلفه، موجب توسیع دایره تشکیلات اداری و در نتیجه اتّساع نطاق امر الهی نیز می‌گردد. معهد اعلیٰ در پیام مورّخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع مطابق با ژانویه ۱۹۸۵ میلادی ارتباط فتوحات و نتایج نقشه هفت ساله و تضییقات وارده بر یاران مهد امرالله را چنین توصیف می‌فرمایند:

"نقشه هفت ساله در رضوان ۱۳۶ مقارن با انقلابات حالیه ایران اعلان گردید و چون مساعی یاران در سبیل تحقّق اهدافش به عین استقامت و فداکاری عزیزان ایران مؤید گشت، نتایج عظیم به بار آورد. . ."

از جمله این نتایج عظیمه بنا به فرموده معهد اعلیٰ در همان پیام منبع، عبارتند از: استقرار بیت‌العدل اعظم الهی در مقرّ دائمی‌اش در کوه کرمل، ازدیاد اعضاء هیئت دارالتبلیغ بین‌المللی، اتّساع وظایف این هیئت و استقرار آن در جوار بیت حضرت عبدالبهاء، تعمیر و مفروش کردن بیت عبدالله پاشا (محلّ سکونت حضرت عبدالبهاء، مکان اختفای رمس اطهر حضرت اعلیٰ، محلّ تولّد حضرت ولیّ محبوب امرالله، محلّ نزول کتاب مستطاب مفاوضات و برخی از الواح و آثار

مبارکۀ حضرت عبدالبهاء)، وسعت دوائر جامعۀ بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد، افتتاح مشرق‌الاذکار ساموآ در قلب اقیانوس کبیر، بالغ‌گردیدن تعداد محافل ملی از ۱۲۵ به ۱۴۸، تأسیس ۷۰۰۰ محفل روحانی محلی و بالغ‌گردیدن آنها به بیش از ۳۰/۰۰۰ محفل، خرید ۹ قطعه زمین مشرق‌الاذکار، ترجمه و طبع آثار الهیه با ۹۱ زبان جدید، تأسیس ۳۹۲ مدرسه در قارّات مختلف، ایجاد ۴۲۰ برنامه بهداشتی و کشاورزی و تربیتی در جهان، تأسیس چهار فرستندۀ رادیوئی مستقل بهائی و تنظیم یکصد لایحه و بیانیه در پشتیبانی و حمایت از آیین مقدّس الهی در مجامع و پارلمان‌های عالم.

بیت‌العدل اعظم در پیام مورّخ شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع برابر با مارس ۱۹۸۶ میلادی نیز به برخی از نتایج و انتصارات نقشه هفت ساله اشاره می‌فرمایند، از جمله ارتفاع نام مقدّس دیانت بهائی در سازمان ملل متحد و پارلمان‌های عالیۀ جهان از جمله پارلمان مشترک اروپا، انتشار بیانیه صلح جهانی خطاب به اهل عالم توسط بیت‌العدل اعظم، حمایت بسیاری از وسائل ارتباط جمعی مهمّ جهان از امر الهی و در نتیجه اشتهار و اعلان امر الهی در سراسر جهان، تأسیس دفتر اطلاعات بهائی در ارض اقدس و شعبه‌ای از آن در سازمان ملل متحد در نیویورک جهت مخابرات رسمی جامعۀ امر با مجامع غیر بهائی درباره امر الهی، افزایش تعداد محافل روحانیه و تعداد مراکز امریه، توسعه برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت احبّای الهی در مجامع و مؤسسات بین‌المللی، ازدیاد اعضای مجلّله بهائی در سازمان ملل متحد از عضو ناظر به عضو مشاور در سازمان‌های غیر دولتی ملل متحد و نهایتاً برداشته شدن نقاب مجهولیت از چهره امر الهی.

معهد اعلیٰ فتوحات حاصله را از نتایج مستقیم جانبازی یاران حق در مهد امرالله دانسته و در خصوص تجربه اهل بهاء در طول تاریخ امر بهائی در مشهود گشتن سرّ "بلائی عنایتی" چنین می‌فرمایند:

"... پیروان مظلوم امر اعظم . . . قریب به یکصد و پنجاه سال است طوفان‌ها دیده و محنت‌ها کشیده و تجربه فرموده‌اند که هر وقت سیلی بنیان‌افکن هجوم نمود و درختان کهن را ریشه‌کن ساخت و بر خاک نیستی بینداخت، هرگز نهال نوخاسته امر الهی را آسیبی

نرسانید، بلکه آن را قوت و قدرت بخشید، چه بسا ملاحظه نموده‌اند که دشمنان ظالم بی‌انصاف هر وقت برای انهدام بنیان امرالله آتشی افروختند، نور و حرارتش نصیب یاران شد و خاکستر مذلتش بر فرق آتش‌افروزان نشست. چه بسا آه سوزانشان ابر عنایت را به حرکت آورد و اشک خونیشان سبب ریزش باران رحمت شد و خون پاکشان بحر نصرت و مکرمت را به جوش آورد. . . .

این است که می‌بینیم بارها در جانبازی اهل بهاء، سر "بلائی عنایتی" مکشوف گشته و به عرصه شهود آمده است. چنانکه در طی نقشه هفت ساله که مقارن با انقلاب ایران و ظهور و بروز مظلومیت یاران آن سامان بود، امدادات مخصوصه جنود ملکوت چنان احاطه نمود و فتوحاتی را نصیب جامعه بهائی فرمود که از بسیاری از جهات در تاریخ امرالله نظیر و مثیلی نداشته است."

حصول چنین ترقیات و مجهودات عظیمه از جمله خارج شدن امر از مجهولیت و نیز رشد و تکامل مؤسسات و تشکیلات اداری کلّ موجب گردید که معهد اعلیٰ در پیام مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۶ میلادی خاتمه عهد سوم و آغاز عهد چهارم از عصر تکوین را اعلام فرمایند.

البته نمونه رشد و تکامل مؤسسات و مشروعات امر مبارک را می‌توان در تنظیم و ترتیب اهداف ملی نقشه‌های بعدی از جمله نقشه شش ساله یافت که برای اولین بار تعیین اهداف آن بر عهده محافل روحانیّه ملیّه با مشورت مشاورین قاره‌ای گذاشته شد، که این مطلب دالّ بر رشد و بلوغ تشکیلات اداری و در نتیجه بدایت مرحله تازه‌ای در نظم اداری بهائی می‌باشد.^۱

۳- اقبال نفوس به امر الهی

اشتهار و اعتلاء امر الهی و شناسایی جهانی آن، سبب تبلیغ آئین بهائی در سراسر عالم گردیده و موجبات جذب نفوس کثیری از پیروان مذاهب و شرایع مختلف و از هر نژاد، رنگ و فرهنگ را فراهم می‌آورد و این از نتایج بلایا و صدمات وارده بر

طلعات مقدّسه و یاران الهی می‌باشد. این بیان حضرت عبدالبهاء را ملاحظه نمائید، می‌فرمایند:

"... قدری تفکّر فرمائید که چگونه سطوت امرالله آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق بلا اشراق فرمود. با وجود این همه سفک دماء مطهر و بلاهای متتابعه و تعرّضات مترادفه در ازمنه سالفه، شمع رحمانی روشن‌تر شد و پرتو شمس حقیقت شدیدتر گردید، آهنگ نهنگ الهی را خروش بیشتر شد و دریای عطای ربّانی را موج و جوش عظیم‌تر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج فوج مانند موج به ساحل نجات توجه نمایند." ۱۱

حضرت ولیّ امرالله نیز تحقّق این وعود الهیه را چنین بشارت می‌فرمایند:

" الحمد لله که الیوم بشارت اعلائی امرالله در بروز و ظهور است و علائم ترویج کلمةالله در هر نقطه و دیاری واضح و مشهود. در دین الهی در قطعات خمسۀ عالم علی‌الخصوص در اکناف و صفحات بعیده، قطعۀ استرالیا و شرق اقصی، نفوس زکیه‌ای دسته دسته داخل می‌گردند و عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم به این نور مبین اقبال نمایند. مصداق بشارات قلم اعلیٰ در شرف ظهور و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقّات متوالیه حضرت اعلیٰ و جمال اقدس ابهی و مولای عزیز حضرت عبدالبهاء متدرّجاً به اکملها و احسنها واضح و مکشوف می‌گردد... " ۱۲

بیت‌العدل اعظم نیز در پیام‌های خود کراً به بشارات و وعود طلعات مقدّسه درخصوص دخول افواج مقبلین اشاره می‌نمایند. از آن جمله در پیام مورّخ شهر العزّة ۱۳۵۵ بدیع با اشاره به اثرات امتحانات و بلایا در تسریع تحقّق بشارت " یدخلون فی دین الله أفواجاً " ۱۳ می‌فرمایند:

"بلی آتش امتحان در بنیان مرصوص امر یزدان البتّه درنگیرد و خللی وارد نسازد، ولیکن چه بسا در دل نفوسی که به آتش افروزی و یا به تماشا آمده‌اند، عطش طلب ایجاد نماید و این جاست که باید احبّای

عزیز الهی آب حیات را که از سرچشمه نجات جاری گشته، بر تشنگان
بادیه طلب بنوشانند و سیراب نمایند و به آسایش جاودانی رسانند."

۴- تسهیل تحقق اهداف متعالی امر بهائی، از جمله صلح اعظم و وحدت عالم انسانی

مظالم و تضییقات وارده بر اهل بهاء و نتایج حاصله از آن، کلّ راه را برای وصول
به اهداف و مقاصد متعالی امر بهائی هموار می‌سازد. بدین ترتیب که با اعتلاء و
انتشار امر الهی، نفوس عدیده‌ای از هر نژاد، قوم و رنگ به امر بهائی اقبال نموده و
می‌نمایند، که این امر خود حاکی از اتّحاد و اتّفاق عالم بشری در ظلّ دیانت
مقدسّ بهائی است؛ چنان که حضرت ولیّ محبوب امرالله نیز خطاب به یاران الهی
در موطن جمال ابهی می‌فرمایند که مشیت الهیه بر این تعلق گرفته که یاران الهی در
آن سرزمین، در سبیل حق جانفشانی کنند و مال و جان خویش را ایثار نمایند تا
"شجره امید" آبیاری گردد و به مرور ایام، قبائل و طوائف مختلفه و متنوعه عالم، در
ظلّ امر الهی متحد و متفق شوند.^{۱۴}

علاوه بر آن، تضییقات و محرومیتهای وارده بر یاران الهی و متعاقب آن جلب
انظار مراجع بین‌المللی و در نتیجه اشتها و اعلان امر الهی موجب گردید که
بیت‌العدل اعظم بیانیه صلح یا پیام وعده صلح جهانی را خطاب به عالم انسانی
صادر و برای عموم رؤسای امم و سران دول ارسال نمایند. معهد اعلی در آن بیانیه
اشاره می‌فرمایند که یاران موطن جمال مبارک با وجود فشارها و مظالم وارده، با
اعمال و رفتار راسخ خویش، نشان می‌دهند که حال تحقق صلح مطلوب بر اثر نفوذ
کلمه‌الله و به تأیید حق قطعی است.

جریانات مذکور از یک سو و تحولات سریعی که در جهان کنونی در اثر اوضاع
نابسامان و آشفته جامعه امروز ایجاد گردیده از سوی دیگر، عالم بشری را به سوی
تحقق و عود الهیه و از جمله صلح اعظم سوق می‌دهد که در قسمت نتایج بلاای
وارده بر عالم بشری، بیشتر بدان پرداخته می‌شود.

حضرت ولی امرالله در بیان اثرات جانبازی‌های اهل بهاء می‌فرمایند:

"اهراق دماء شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر
افشان اعزّ ابهائی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت

عالم انسانی را کما نُزِلَ فی الالواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تأسیس فرماید و عالم ادنی را مرآت جنت ابهی گرداند و تُبَدِّلُ الْأَرْضَ غَیْرَ الْأَرْضِ را بر عالمیان ثابت و محقق نماید.^{۱۵}

۵- تطهیر امرالله و حفظ و تحکیم وحدت آن

یکی از نتایج بسیار مهمّ بلایای وارده در سبیل حق برای جامعه امر، تطهیر و تنزیه جامعه بهائی از نفوس نالایق و ناقض می باشد. اراده الهیه چنین اقتضاء می نماید که امواج بحر اعظم الهی متلاطم شود و کف های روی آن را به کناری نهد تا بحر اعظم از وجود چنین اجسام مرده پاک و مطهر گردد. این جاست که حکمت نزول بلایا و امتحانات الهی تا حدودی بر ما معلوم و مشهود می گردد. این بیان حضرت عبدالبهاء را ملاحظه نمائید، می فرمایند:

"... امتحانات هر امری به قدر عظمت آن امر است. چون تا به حال چنین میثاقی صریح به قلم اعلیٰ وقوع نیافته، لهدا امتحانات نیز عظیم است. این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی در نفوس قویّه، امتحان چه تأثیر دارد. این شبهات نقض مانند کف دریاست و دریا بی کف نمی شود. بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته را به کنار اندازد، زیرا دریا جسم مرده قبول نماید. اینست که بحر میثاق موج زد، موج زد تا اجسام میته را بیرون انداخت؛ یعنی نفوسی را که از روح الهی بی بهره اند و تابع نفس و هوئی؛ هوای ریاست در سردارند. باری این کف های دریا بقائی ندارد، عنقریب محو و نابود گردد، ولی دریای میثاق، الی الابد پرموج است و در جوش و خروش..."^{۱۶}

در تاریخ امر بهائی علاوه بر ناقضین امر الهی اشخاصی ضعیف و سست ایمان صرفاً به جهت حفظ جان، جاه و مقام، مال و منال و بطور کلی ترقیّات ظاهر فریب از دامن حبّ و عشق جمال ابهی دست کشیدند و در مواردی دیگران را نیز به این عمل ترغیب نمودند. به همین جهت است که هر زمان که اراده ربّانیه اقتضاء نماید

امتحانات الهی به وزیدن در می‌آید تا جامعه امر از وجود چنین نفوسی پاک و مطهر گردد و اساس آن حفظ و صیانت شود. حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

"... امتحانات و افتتانات علت تطهیر امرالله شده و مورث تحکیم و تقویت اساس شریعت‌الله گردیده و بنیة جامعه امر را برای مقابلی با موانع و مشکلات آتیه محکم‌تر و استوارتر ساخته است."^{۱۷}

۶- اثبات حقانیت امرالله

اشتهار آئین بهائی، مطرح شدن آن در مجامع بین‌المللی، ایجاد ارتباط با جوامع و سازمان‌های عمومی و بین‌المللی و مشارکت و همکاری با آنها در زمینه‌های مختلف و بطورکلی اعتلای امر الهی علیرغم تعرّض و تشدد اعداء، کلّ موجب اثبات حقانیت امر الهی می‌گردد.

بیت‌العدل اعظم در پیام مورّخ شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع اشاره می‌فرمایند که اهل بهاء با شور و نشاط خویش چه در اقدامات و مجهودات خاصّ خود یعنی توسعه دایرة اقدامات و فعالیت‌های اداری بهائی و چه در مشارکتشان در مجامع و مؤسّسات عمومی نظیر کنفرانس‌های بین‌المللی و همکاری با آنها، روابط حسنه‌ای را با حکومت‌های متبوعه ایجاد نموده‌اند که هر صاحب‌دلی را بر آن داشته تا به حقانیت آئین مقدّس الهی اقرار و اعتراف نماید.^{۱۸}

در پایان این بررسی- برای جامعه امر- به این بیانات مبارکه از جمال اقدس ابهی اشاره می‌گردد که کلّ مؤید مطالبی است که مذکور گردید. می‌فرمایند: "... اگر جمیع عالم از حقّ اعراض نمایند، ضرّی بر امر وارد نه، بلکه اعراض خلق، سبب و علت ارتفاع امر حقّ جلّ جلاله است."^{۱۹}

"بِظُلْمِهِمْ رَفَعْنَا الْأَمْرَ وَ أَنْتَشَرَ ذِكْرَ أَسْمِ رَبِّكَ فِي الْبِلَادِ. بِمَنْعِهِمْ ظَهَرَ الْأَقْبَالُ وَ بِظُلْمِهِمْ طَلَعَ نَبِيُّ الْعَدْلِ، تَفَكَّرُوا لِتَعْرِفُوا يَا أَوْلِيَ الْأَلْبَابِ."^{۲۰}

"با لَبْلَاءِ عَلَا أَمْرُهُ وَ سَنَا ذِكْرُهُ."^{۲۱}

ب- ثمرات و نتایج بلایا برای اهل بهاء

اهل بهاء بلا را به جان و دل می‌پذیرند، چرا که می‌دانند جمیع بلایا به مقتضای حکمت الهیه نازل می‌شود، چنان که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"... مصائب و رزایا هرچند مصائب و بلایاست، لکن اگر تفکر و

تدبّر رود، ملاحظه می‌گردد که جمیع مبتنی بر حکمت الهیه و مبتنی بر

اسرار خفیه است. زیرا حکیم قدیر، تقدیر عبث و امر عسیری سبب

و تأثیر نمی‌فرماید، پس لابدّ جهتی دارد و حکمتی در امر است. . ."^{۲۲}

بنابراین یاران الهی بلایا و مشقّات را به جهت حبّ الهی تحمّل می‌کنند و ناظر به

نتایج و یا پاداش آن نیستند. از سویی دیگر منظور از نتایج، نتایج معنوی و روحانی

است و پاداش این زحمات و بلایا بفرموده حضرت عبدالبهاء، در ملکوت تقدیس

جمال اقدس ابهی حرف به حرف مذکور:

"ای یاران روحانی من، زحمات و مشقّتان در خدمت امرالله و تحمّل

مصیبت و بلا و معاونت ضعفا معلوم و واضح، مکافات این اعمال

مقبوله از جمال ابهی است. در ملکوت تقدیس حرف به حرف

مذکور و در لوح محفوظش کلمه به کلمه مسطور. پاداش این عبودیت

و جانفشانی را عنقریب در ملکوت رحمانی مشاهده خواهید نمود."^{۲۳}

مع ذلک باید دید که با تحمّل بلایا چه قابلیت‌ها و قوایی در نفوس الهی شکوفا

می‌شود. حضرت بهاءالله می‌فرمایند: "حقّ جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی

از معدن انسانی آمده . . . حقّ از برای ظهور کنوز مودوعه در نفوس آمده . . ."^{۲۴}

هم‌چنین حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: ". . . چون شدائد امتحان به میان آید،

نفوس منقطع گردند و منجذب به حق و متوجه الی الله و متخلّق به اوصاف

رحمانی و مستمدّ از فیوضات آسمانی شوند."^{۲۵}

از این رو در ادامه، میزان اثرات مشقّات و بلیّات در ظهور و بروز کنوز مودوعه در

نفوس و تخلّق آنان به خصائل و کمالات روحانی با توجه به آثار مبارکه و پیام‌های

معهد اعلیٰ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تفصیل و تمیز مؤمن از معرض و صادق از کاذب

یک معنی از معانی لغوی بلا، همان طور که اشاره گردید مفهوم امتحان و آزمایش است. آنچه که در این قسمت شایان توجه می باشد، این مفهوم از مفاهیم بلایاست. حضرت بهاءالله در خصوص امتحانات الهی می فرماید:

"... لم یزل هبوبات اریاح اقتتان و امتحان از مشرق عدل رحمن در مرور بوده و خواهد بود تا تفصیل دهد معرض را از مقبل..."^{۲۶}

حضرت عبدالههء نیز در خصوص خاصیت و ویژگی امتحان الهی و درواقع حکمت نزول آن، چنین بیان می فرماید:

"... چون به دیدۀ بصیرت ملاحظه نمایی ذرات کائنات در موقع امتحانست تا چه رسد به انسان، علی الخصوص اهل ایمان؛ تفاوت در این است که از امتحانات وارده، نور مبین در جبین مخلصین برافروزد و ضعفا چون در دام بلا گرفتار گردند ناله و حنین بلند کنند و هر روز اسیر صد هزار شبهات گردند..."^{۲۷}

مرکز میثاق در الواح مبارکه خویش، در خصوص نفوسی که امتحانات الهی بر آنها وارد می شود، تمثیل های جالب توجهی بیان می نمایند. از آن جمله می فرماید که شخص شجاع را در میدان کارزار از حرب و امتحان باکی نیست، اما شخص ترسو و جبان بترسد و به آن حرب تن در ندهد؛ و یا تلمیذ زیرک و باهوش را در روز امتحان نهایت مسرت و شادمانی است، اما تلمیذ تنبل و نادان را همان امتحان بلائی عظمی است؛ و نیز ذهب خالص در آتش امتحان برافروخته گردد و جلوه نماید، اما همان آتش برای زر ناخالص و مغشوش سبب روسیاهی گردد.^{۲۸}

این چنین است که در طول تاریخ ادیان الهی، آتش امتحان شعله می زند تا در زمان حضرت مسیح، پطرس از یهودای اسخریوطی ممتاز گردد و در زمان حضرت محمد، حمزه از ابوجهل تفصیل یابد. در این دور مبارک، حضرت بهاءالله از میرزا یحیی ازل و حضرت عبدالههء از میرزا محمدعلی ممتاز گردند و نفوس مقدسی چون جناب قدّوس، جناب ملا حسین، جناب بدیع، جناب ابوالفضائل، و... از نفوسی چون سید محمد اصفهانی، جمال بروجردی، میرزا بدیع الله، میرزا شعاع الله، ابراهیم خیرالله و... تفصیل یابند و نفوس ضعیفه دیگر نیز به جهت

دلبستگی و علاقه به جاه و مقام، مال و منال و بطورکلی حفظ تعلقات مادی، در عرصه امتحان الهی روسیاه بیرون بیایند.

بدون شک این لوح حضرت عبدالبهاء را بارها با گوش جان شنیده‌ایم و با چشم دل زیارت کرده‌ایم. حضرت مولی‌الوری در قسمتی از این لوح مبارک، پس از اشاره به بلاایای وارده بر هیاکل قدسیه و نفوس مقدسه چنین می‌فرمایند:

"... این از مقتضای حضرت عشق است و باید چنین باشد و الا هر خاری دم از عالم گل زند و هر جزئی آهنگ کل از حنجر برآرد. هر خسیسی خود را شخص نفیس شمرد و هر اسیر طبیعتی خود را مظهر حقیقت داند. لهذا امتحان به میان آید و افتتان رخ بگشاید و صادق از کاذب ممتاز گردد."^{۲۹}

۲- تربیت نفوس و ترقی و تعالی روحانی آنها

یکی از حکمت‌های نزول بلایا و امتحانات، تربیت نفوس بشری می‌باشد،^{۳۰} همانگونه که مقصد از ظهور مظاهر الهی تربیت نفوس مبارکه بوده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"از امتحانات هیچ وقت محزون مگردید، زیرا امتحان و افتتان، حصاد اشرار و سبب ظهور کمالات ابرار است، لهذا باید بسیار ممنون و خشنود بود، چه که مقصد از ظهور نور مبین، تربیت نفوس مبارکه است و این جز به امتحانات الهیه ممکن نه. اگر امتحانات الهیه نبود، ابداً نفوس تربیت نمی‌شدند، بلکه جمیع مستغرق بحر هوی و هوس می‌مانند..."^{۳۱}

حضرت ولی‌امرالله نیز می‌فرمایند:

"نباید فراموش کنیم که از خصوصیات این دنیا، زحمت و مشقت و مصائب است و تنها با غلبه بر آنهاست که ما می‌توانیم رشد و نمو اخلاقی و روحانی یابیم. به فرموده حضرت عبدالبهاء، غم و اندوه مانند شیار بر زمین است. هرچه شیار عمیق‌تر باشد، حاصل بیشتر است."^{۳۲}

همچنین مولای محبوب در مقامی دیگر بلایا و محرومیت‌ها را به صریح بیان حق، مواهب خفیه‌ای می‌دانند که به وسیله آن قوای روحانی انسان تجهیز و تقویت گشته خالص‌تر و کامل‌تر می‌گردد.^{۳۳} و در بیانی دیگر نیز آنها را به منزله عواملی برای تصفیه روح و تحکیم قوای روحانی و وسیله‌ای برای ترقی و تعالی اهل بهاء در خدمت امر عنوان می‌فرمایند.^{۳۴}

۳- فائز شدن به مقام صبر و اصطبار

مقام صبر و اصطبار در ادوار الهی و بالخصوص در این دور مبارک بسیار عظیم و شرایط وصول به آن مقام نیز بسیار مشکل است. حضرت بهاء‌الله در لوح احتراق به این بیان مهیمن ناطق، قوله العزیز: "لَوْلَا الْبَلِيَّةُ، كَيْفَ أَشْرَقَتْ شَمْسُ أَصْطَبَارِكَ . . ."

جمال مبارک در لوح سورة الصبر، به این مقام عظیم، لفظ جنت اطلاق فرموده‌اند و دخول آن را برای کسانی مقدر فرموده‌اند که در سبیل حق تحمل بلایا و رزایا نموده‌اند، نفوسی که با شدت یافتن سختی و بلا بر آنها، بر شدت و حب و شوق آنها به مولایشان نیز افزوده گردیده است.

آن پاداش دهنده نیکی‌ها، در آیه‌ای دیگر از این لوح منیع، جزا و پاداش این مقام را بر خلاف حسنات دیگر، نامحدود و لا تحصی مقدر فرموده‌اند، اما همچنان که جزای این مقام نامحدود و وصول به آن هم صعب و دشوار است، حفظ و حراست آن نیز بس مهم و مشکل می‌باشد. قلم اعلیٰ در همان لوح مهیمن می‌فرمایند آن چه که قدر و اجر صبر و اصطبار را از بین می‌برد و باطل می‌نماید، شکوه و شکایت است.^{۳۵}

۴- اثبات صدق ادعای حب الهی و وصول به منتهی مقامات حب

حق برای هر چیزی نشانه‌ای تعیین فرمودند و نشانه حب خود را صبر در بلا و قضایش مقرر فرموده‌اند. حضرت بهاء‌الله در کلمات مبارکه مکنونه عربی می‌فرمایند: "لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ وَ عِلْمَةُ الْحَبِّ الصَّبْرُ فِي قَضَائِهِ وَ الْإِصْطِبَارُ فِي

بلائی." و نیز در فرازی دیگر از این کلمات مبارکه می‌فرمایند: "المُحِبُّ الصَّادِقُ
يَرْجُو الْبَلَاءَ كَرَجَاءِ الْعَاصِي إِلَى الْمَغْفِرَةِ وَالْمَدْنِبِ إِلَى الرَّحْمَةِ".

بنابراین کسی که در حمل شدائد و بلایا صبور باشد حبّ خود را نسبت به حق نشان داده است و هر چقدر بر شدت این بلایا افزوده شود، بر میزان عشق و محبت وی به حق نیز افزوده می‌گردد. این بیان مبارک حضرت بهاء‌الله را ملاحظه فرمائید، قوله العزیز: "... كَلَّمَا زَادَ الْبَلَاءُ زَادَ اَهْلُ الْبِهَاءِ فِي حُبِّهِمْ. قَدْ شَهِدَ بِصِدْقِهِمْ مَا أَنْزَلَهُ الرَّحْمَنُ فِي الْفُرْقَانِ بِقَوْلِهِ (فَتَمَنَّاوَا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) ... ۳۶"

لذا بلایای وارده در سبیل الهی هم موجب شدت افزایش حبّ الهی می‌گردد و نفوس را به مقام عظیم حبّ حق نائل می‌گرداند، چنان که قلم اعلیٰ در لوح شکرشکن می‌فرماید: "به دعا بلا را طالبیم تا در هواهای قدس روح پرواز کنیم و در سایه‌های شجرانس، آشیان سازیم و به منتهی مقامات حبّ منتهی گردیم."؛ و هم موجب اثبات صدق ادّعای عاشقان جمال ابهی می‌گردد.

براستی اگر بلا نبود چه وسیله دیگری می‌توانست مقام عظیم مشتاقان و عاشقان جمال حق را به این صراحت ثابت و ظاهر نماید، در مقامی که جمال قدم خود در بحبوحه بلایا و رزایا چنین مناجات می‌فرمودند: "سُبْحَانَكَ يَا اَلْهَى لَوْلَا الْبَلَايَا فِي سَبِيلِكَ مِنْ اَيِّنْ يَظْهَرُ مَقَامُ عَاشِقِيكَ وَ لَوْلَا الرِّزَايَا فِي حُبِّكَ بَايَ شَيْءٍ يَثْبُتُ شَأْنُ مُشْتَاقِيكَ... ۳۷"

۵- کسب رضای الهی

قلم اعلیٰ در کلمات مبارکه مکنونه شرط سلوک در سبیل رضای حق و به عبارت دیگر کسب رضای الهی را تحمل شدائد و بلایا در سبیل الهی می‌فرماید: "إِنْ لَا يُصِيبُكَ الْبَلَاءُ فِي سَبِيلِي كَيْفَ تَسْلُكُ سَبِيلَ الرَّاظِئِينَ فِي رِضَائِي... ۳۸"

راضی بودن به رضای حق و قضای الهی، مقامی بسیار مشکل و درعین حال عظیم است. حضرت عبدالبهاء در بیان صعوبت وصول به این مقام و نیز در توصیف عظمت این فضیلت الهی چنین می‌فرماید:

"ای طالب رضای حق، مقام رضا بسیار مشکل است و اعظم آرزوی اهل بهاء. سالک در این مقام به کلی از خود بی‌خبر است و آنچه واقع دردش را درمان و زخمش را مرهم سریع‌اللتیام است. در این مقام جفا را وفا یابند و بلا را اعظم آلاء شمرند؛ مصیبت را موهبت دانند و کربت را مسرت شمارند؛ فرح و سرورش دائمی گردد و فیض حبورش ابدی؛ بر سریر سلطنت و استقلال جلوس یابند و به اعظم آمال مانوس شوند. ذلک من فضل الله یوتیه من یشاء واللّه ذو فضل عظیم." ۳۹

نظر به اهمیّت و عظمت این مقام است که بیت‌العدل اعظم الهی، در پیام مورخ آپریل ۱۹۸۸ میلادی، یاران مهد امرالله را با توجه به محرومیّت و مظلومیّتی که در سبیل رضای حقّ متحمل شده‌اند، چنین بشارت می‌دهند: "یاران عزیز ایران . . . این محرومیّت و مظلومیّت را در سبیل محبت‌الله قبول فرموده و به اکلیل رضای حق فائز گشته‌اند. . ."

۶- فائز شدن به مقام عبودیت حق

حضرت عبدالبهاء، مثل اعلای دیانت بهائی، که خودشان نمونه واقعی عبودیت بودند و بدان افتخار می‌نمودند و آن را اکلیل جلیل و تاج و هاج خویش می‌دانستند،^{۴۰} شرط عبودیت حق را چنین زیبا بیان می‌فرمایند: "بر خوان رنگین و شهد و انگبین و باده خُلاّرا^{۴۱} و جام سرشار هرکس بنده پروردگان است. عبودیت حق در زیر اغلال و زنجیر و تیر و شمشیر ثابت و محقق می‌شود."^{۴۲}

مرکز میثاق در اهمیّت و عظمت این مقام می‌فرمایند:

"ای حبیب من . . . وقت نطق و بیانست و هنگام قیام به عبودیت حضرت یزدان. عبودیت آن ذات احدیت، امانت عظیمه است که ثقل اعظمست و آسمان و زمین و جبال از حملش عاجز. پس حاضر شو که این بارگران در کمال روح و ریحان چون این عبد حمل نمایی و مورد طعن و سبّ و شتم و تکفیر و تفسیق و شبهات امم گردی تا قطره‌ای از بحر بلا یای جمال قدم روحی لِعِبَادِهِ الْفِدا نصیب بری."^{۴۳}

آن وجود مبارک در لوحی دیگر، منسوب بودن به آستان رحمانی و قائم بودن به عبودیت و بندگی درگاه حق را چنین می‌ستایند، قوله الاحلی:

"ای بنده دیرین جمال قدم، خوشا به حال تو که به این آستان منسوبی و به این درگاه از بندگان محسوب. قسم به اسم اعظم که عنقریب این نسبت آرزوی شهریاران عالم گردد و سرمایه افتخار ملوک امم، و تو به چه سهولت به این موهبت فائز گشتی و از این جام عنایت سرمست شدی... ۴۴"

حال مسلم است مقامی که حمل آن، برای یکی از طلعات مقدسه این دور مبارک سبب افتخار و مباهات می‌باشد، از برای بندگان حق حائز چه موهبت و عنایتی است.

۷- فائز شدن به مقام فدا

مقام فدا در این دور مبارک مقامی بسیار عظیم است؛ چه که هیاکل مقدسه این دور اعظم نیز آن را طلب نموده‌اند. حضرت اعلیٰ در مقامی خطاب به حضرت بهاء الله چنین می‌فرمایند: "یا بقیة الله قد فدیت بکلی لک و رضیت السب فی سبیلک و ما تمنیت الا القتل فی محبتک و کفی بالله العلیٰ معتصماً قديماً" ۴۵ در نهایت هم در سبیل حق، وجود مقدس خویش را هدف هزاران تیر بلا قرار دادند.

حضرت عبدالبهاء نیز در بسیاری از مناجاتهایشان، طلب فدا و فنا در سبیل حق و احبای الهی می‌نمایند. از آن جمله در مناجات لقا می‌فرمایند: "... آی رب أسقنی كأس الفناء و ألسنی ثوب الفناء و أغرقنی فی بحر الفناء و أجعلنی غباراً فی ممر الآحیاء و أجعلنی فداءً للأرض التي وطئها أقدام الأصفیاء فی سبیلک یا رب العزة و العلیٰ" ۴۶

حضرت عبدالبهاء هم چنین در یکی از الواح مبارکه درخصوص مفهوم فدا می‌فرمایند: "... تا از نار موقده ربّانیه، شئون هالکه کونیّه نسوزد، انوار ملکوت ابهی، مشکاة قلب و زجاجة روح را می‌فرورد. . . . جسم را فدا نمودن آسان، ولكن شئون منبعثه از حییز وجود، که از لوازم ذاتی امکان است، فدا نمودن مشکل" ۴۷

بنابراین مفهوم فدا صرفاً مستلزم از دست دادن جسم انسان نیست، بلکه مستلزم فنا نمودن جمیع شئون متعلقه از قبیل جسم، روح، نفس، اراده و غیره می‌باشد، و نیز اگر نفسی در سبیل حق کشته نشود اما سایر شئون شخصی خویش را اعم از روح، قلب، نفس، راحت، عزت، ثروت و... فدای امر کند، چنین شخصی نیز لیاقت وصول به مقام فدا را دارد. ملاحظه نمائید این بیان حضرت شوقی ربّانی را در شرح عالی‌ترین مفهوم گذشت و فداکاری، می‌فرمایند:

"گذشت و فداکاری در عالی‌ترین مفهوم خود آنست که اراده و هستی خویش را در اختیار پروردگاران قرار دهیم تا هرچه اراده اوست مجری دارد. در این مقام او نفس حقیقی ما را تطهیر می‌کند و جلا می‌دهد تا به حقیقتی درخشنده و متعالی مبدّل گردد." ۴۸

در طول تاریخ این دور مقدّس، علاوه بر هیاکل قدسیه این آئین مبارک، چه بسیار از نفوس مقدّسه که اراده و هستی خویش را فدای حق نمودند. بیت‌العدل اعظم در پیام مورّخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع پس از اشاره به بلایا و محرومیت‌های احبّای ایران، می‌فرمایند که در استقامت آن عزیزان در قبال شدائد و بلیات، سرّ فدا مشهود و مکشوف گشته است.

۸- فائز شدن به مقام شهادت

با توجه به این بیان مبارک حضرت بهاء‌الله، لفظ شهید صرفاً به نفوسی که در سبیل حق جان خویش را از دست داده‌اند، اطلاق نمی‌گردد. می‌فرمایند: "هر نفسی از ماعنده بگذرد و بما عندالله ناظر باشد، یعنی ملعب ظنون و اوهام خود واقع نشود و به اراده حضرت یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید متمسک، او از شهدا محسوب ولو یمشی و یا کل." ۴۹

بنابراین با توجه به بیان مبارک، نفوسی که مطابق مشیت و اراده الهی عمل نمایند، از امیال و خواهش‌های نفسانی خویش چشم پوشند و از هر آنچه غیر اوست منقطع گردند، مصداق این مقام عظیم قرار می‌گیرند، اما چون این موضوع در قسمت قبل ذکر شده است در این جا بیشتر به معنی متداول لفظ شهادت یعنی جان‌باختن در سبیل حق می‌پردازیم.

حضرت بهاء‌الله مقام شهادت را منتهی عنایت برای نفس شهید می‌دانند و درباره تأثیرات این مقام فخیم چنین می‌فرمایند:

"هر نفسی الیوم به کتاب الهی عمل نمود و قلبش از شبهات و ضغینه و بغضاء و ما لا یلیقُ لِلْإِنْسَانِ طاهر و مقدّس شد، او از اهل ملاء اعلیٰ محسوب و اگر به مقام بلند شهادت فائز شود، این منتهی عنایت است درباره او، ولکن جمیع این امور معلق به اراده حقّ جلّ جلاله است و مدتهاست که از قلم مقصود در حفظ عباد طاهر و مستور. لذا شهادت دست نمی‌دهد الا بندرت، آن هم لاجل حیات عالم و ظهورات صنایع و علوم و فنون. وجود این مقام مثل وجود عنقا است در اقطار عالم. به قول مذکور و به فعل مفقود." ۵۰

قلم اعلیٰ در مقامی دیگر چنین می‌فرمایند:

"سبحانه سبحانه از او می‌طلبم عباد خود را مؤید فرماید بر دو امر بزرگ بعد از عرفان ذات مقدّس و استقامت بر آن، عبراتی که از خشیه الله نازل شود و قطرات دمی که در سبیلش بر خاک ریزد. این دو امر لا زال لَدی العرش مقبول بوده و هست. . . ." ۵۱

هم‌چنین ملاحظه نمایید عظمت این مقام را در نزد حق در این فراز مبارکه مکنونه عربی، که جمال قدم رنگین شدن موی انسان با خورش را بزرگتر از آفرینش دو جهان و نور دو گیتی تعیین می‌فرمایند: "یا ابنَ الإنسانِ و جمالی تَخَضُّبُ شَعْرَكَ مِنْ دَمِکَ لَکَانَ اکْبَرَ عِنْدی عَنِ خَلْقِ الْکَوْنِینِ وَ ضِیَاءِ الثَّقَلِینِ، فَاجْهَدْ فِیهِ یَا عَبْدُ." ۵۲

لسان عظمت در فرازی دیگر از کلمات مبارکه مکنونه، خون ریخته شده در سبیل حق را شیرین‌ترین شیء در نزد خویش می‌دانند، قوله تعالی: "اَکْتُبَ کُلَّ مَا أَلْقِینَاکَ مِنْ مِدَادِ النُّورِ عَلٰی لَوْحِ الرُّوحِ وَإِنْ کُنْ تَقْدِرَ عَلٰی ذَلِکَ فَاجْعَلِ الْمِدَادَ مِنْ جَوْهَرِ الْفَوَادِ وَإِنْ کُنْ تَسْتَطِيعَ فَاکْتُبْ مِنَ الْمِدَادِ الْأَحْمَرِ الَّذِی سَفِکَ فِی سَبِیْلِی أَنَّهُ أَحَلِّی عِنْدِی مِنْ کُلِّ شَیْءٍ لُیْثِبَتْ نُوْرُهُ إِلٰی الْأَبَدِ." ۵۳

۹- اثبات وفای به عهد الهی

عظمت و اهمیت اصل وفا را از بیان مبارک حضرت بهاءالله درمی یابیم که می فرمایند درعالم وجود نهر و چشمه ای موجود است به نام وفا که هرکس از این چشمه نوشد، به استقامت کبری فائز گردد.^{۵۴}

و اما در بیان شرط وفاداری، حضرت عبدالبهاء لازمه بجا آوردن آن شرط را، تحمّل مشقت کبری بیان می فرمایند.^{۵۵} در مقامی دیگر جام بلا را نصیب اهل وفا می دانند.^{۵۶} و در لوحی دیگر شرط وفاداری را چنین مصرّح بیان می فرمایند:

"ای یاران الهی! بعد از عروج جمال رحمانی [حضرت بهاءالله] آیا سزاوار است دمی بیاساییم و یا محفلی بیاراییم یا نفس راحتی بکشیم یا شهد مسرتی بچشیم یا سر به بالین آسایش بنهیم و یا آرایش آرایش جهان آفرینش بجوئیم؟ (لا والله) این نه شرط وفا است و نه لایق و سزاوار. . . اهل ملکوت ابهی منتظر و مترصد آنند که هریک از ما به وفا قیام نمائیم و در محبت اسم اعظم تحمّل هر بلا و جفا نماییم. . ."^{۵۷}

معهد اعلیٰ نیز در پیام هایشان به کرات به اهمّیت اصل وفاداری و شرایط قائم بودن به آن اشاره می فرمایند. از جمله در پیام مورّخ سوّم نوامبر ۱۹۸۶ میلادی به نفوسی که در مهد امرالله در مقابل شدائد و بلیات ایستادگی نمودند و محرومیت ها و مشکلات عدیده را متحمّل گردیدند، لقب "سالکان سیل وفا" عنایت می فرمایند.

۱۰- فائز شدن به مقام استقامت کبری

حضرت بهاءالله در بیان مفهوم استقامت چنین می فرمایند: "الیوم معنی استقامت آن که به حقّ جلّ جلاله، خود را از کلّ عالم غنی و مستغنی مشاهده نمایند. این است معنای غنای حقیقی و ثروت معنوی، که من عندالله ظاهر شده، طوبی للفاضلین و ویلّ للغافلین."^{۵۸}

جمال مبارک در لوحی دیگر در بیان عظمت نفوسی که استقامت نموده اند، آن نفوس را از اهل جنت محسوب می فرمایند:

"انشاءالله باید کلّ در صراط امرالهی به شأنی مستقیم باشند که از اعراض و اعتراض کلّ من علی الارض نلغزند و در احیان هبوب اریاح امتحان، عاشقان جمال رحمن از اهل خسران ممتاز می‌شوند و نفوسی که در این ایام مستقیمند از اهل جنت عندالله مشهود و مذکورند." ۵۹

لسان حق در بیانی دیگر می‌فرماید که به زودی در مقابل نفوسی که در سبیل حق استقامت نموده‌اند، ابوابی را می‌گشاییم که وقتی داخل آن شوند، خودشان را سلاطین وجود مشاهده کنند.^{۶۰}

حضرت عبدالبهاء نیز اثر و نتیجه استقامت را ظهور عنایت حق بیان می‌فرماید: ". . . علاج عمومی که هر مزاج را بهّاج و هر شعله مخمود را وهّاج نماید، آن پادزهر عنایت است که مورث استقامت است. . ." ۶۱

و اما درخصوص عامل بودن اهل بهاء به این فضیلت عظیم، مرکز میثاق می‌فرماید: "هرچند در این ایام پرامتحان، ثبات و استقامت مشکل بود، ولکن احبای الهی و اماء رحمن الحمدلله مانند صخره عظمی ثابت و مستقیم ماندند، بلکه بر استقرار افزودند." ۶۲

بیت‌العدل اعظم نیز در پیام‌هایشان بارها به استقامت و ثبوت اهل بهاء خصوصاً استقامت یاران الهی در مهد امرالله اشاره می‌فرماید. از آنجمله در پیام مورّخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع درباره شهداء فی سبیل‌الله و نفوسی که در نهایت انقطاع و شجاعت، با طوفان محن و آلام مقابله نموده‌اند، می‌فرماید که آن خاصان درگاه حق به "استقامت کبری" فائز گشته اند.

معهد اعلی در پیام مورّخ بیست و چهارم دسامبر ۱۹۸۶ میلادی درخصوص استقامت یاران موطن ابهی در سنین اخیر، آن را اعظم خدمت محسوب می‌نماید. می‌فرماید: ". . . الیوم خدمتی اعظم از استقامت یاران ایران نیست که در آن کشور مقدّس چون شیران بیشه عرفان ایستاده و از هجوم سهام قضا، خوف و هراس به خود راه نداده‌اند و چون سمندر آتش وفا، شعله‌های جفا را مخمود ساختند."

۱۱- کسب سرور و اطمینان قلبی

اصولاً انسان با از دست دادن متعلقات خویش چون ثروت و مکت، جاه و مقام، خانواده و بستگان و یا با مواجه شدن با محرومیّت‌ها و ناملايمات زندگي دچار اضطراب و نگرانی می‌شود. حضرت بهاءالله علاج این اضطراب و پریشانی را برای اهل بهاء چنین بیان می‌فرماید:

"هر نفسی فی الحقیقه بر تغییر و تبدیل و فنای عالم آگاه شود، او را هیچ شیئی از اشیاء پزمرده نماید و از روح و ریحان باز ندارد. فرحش باللّه است و عیشش لله. همدمش انا لله و مصاحبش انا الیه راجعون. بعد از آن که قلبی به انوار معرفت منور شد و از ذکر و ثنا و محبت و مودت حق جلّ جلاله پُرگشت دیگر محلّ باقی نه تا احزان عالم و کدورات نازله در آن وارد شود و یا داخل گردد. . . ۶۳"

از این رو نفسی که به حضرت بهاءالله ایمان می‌آورد نه تنها نباید از امتحانات الهیّه و مشکلات و مصائب وارده، محزون شود بلکه باید بر فرح و سرورش افزوده گردد. آنچنان که حضرت عبدالبهاء به این مهمّ اشاره می‌فرماید: "ای یاران! از بلايای عبدالبهاء محزون مگردید، مخمود مشوید، بلکه باید این بلا سبب مسرت کبری باشد، زیرا در سبیل جمال ابهاست. چه الطاف اعظم از آن که انسان مورد هزار تیر جفا در سبیل بهاء گردد. . . ۶۴"

سرور و حبور در بلایا را باید از حاجی سلیمان خان، یکی از مؤمنین اولیه امر، آموخت که در هنگام شهادتش از میرغضب خواست که بدن مقدّسش را در نه محل شکافته و در هر یک شمعی افروخته قرار دهد و به این نحو وی را به شهادت برساند. آن عاشق شیدایی در حالی که به شعله‌های افروخته بدنش می‌نگریست، به شور و شغف آمده و با شادی و پایکوبی این بیت را زمزمه می‌نمود:

یکدست جام باده و یکدست زلف یار رقصی چنین میانه میدانم آرزوست^{۶۵}

۱۲- حصول قربیت الهیه

وصول مؤمنان و عاشقان حق به مقامات قرب نامتناهی، به صریح بیان حضرت بهاءالله، نتیجه مصائب و مظالم وارده بر احبای الهی از سوی ظالمین و معرضین از امر مبارک می‌باشد، قوله الاعلی: "ستایش پاک پروردگاری را جلت قدرته که ظلم ظالمین و تعدی معتدین را علت وصول عاشقان به مقامات قرب معشوق و ورود مخلصان به جنان وصل مقصود مقرر فرموده . . . ۶۶"

قلم اعلی در یکی از الواح مبارکه به نفوسی که در سبیل حق تحمل بلیات و مشقات نموده‌اند، چنین القاب شامخه‌ای عنایت می‌فرمایند: "حمد مقدس از عرفان اهل امکان، مقصود عالمیان را لایق و سزااست که بلا را مخصوص اولیا قرار فرمود طوبی از برای مقرّبین یعنی نفوسی که به سلّم بلا به ذروه علیا ارتقا جسته‌اند. ایشانند اولیای حق جلّ جلاله . . . ۶۷"

حضرت ولی امرالله نیز کیفیت تأثیر مصائب و بلیات را در وصول به قرب حق چنین بیان می‌فرمایند: "ابتلائات و امتحانات و افتتانات بعضی اوقات مواهب الهیه هستند که در خفا به ما ارزانی گردیده و به ما می‌آموزند که بیشتر به خداوند ایمان و اعتماد داشته و به این وسیله به او تقرّب جویم." ۶۸

۱۳- جلب تأییدات و عنایات الهیه

همانگونه که در بررسی نتایج بلاای وارد بر امر مبارک، شرح آن گذشت، در طول تاریخ امر الهی، بلایا و مصائب وارده در سبیل حق، جاذب و جالب تأییدات الهیه گردیده و توفیقات و انتصاراتی را نصیب جامعه امر نمود. این مطلب از نظر فردی نیز مصداق پیدا می‌کند. بدان معنی که مصائب و محرومیت‌ها در سبیل الهی سبب حصول تأییدات و عنایات ربّانیه برای شخص متحمل بلایا نیز می‌گردد. حضرت عبدالبهاء درخصوص رابطه بین بلاای سبیل الهی و تأییدات ملکوتی چنین می‌فرمایند: "ای منجذبۀ ملکوت‌الله . . . پی به حقیقت بلایا برده‌ای که بلاای سبیل الهی انسان را سبب تأییداتست بلکه قوتیست ملکوتی و موهبتی است لاهوتی . . ." آنگاه حضرت عبدالبهاء تشریح می‌فرمایند که امتحان الهی از برای نفوس مؤمنه و راسخه، اعظم مواهب الهی است؛ زیرا که موجب مسرت

آنان و ثبوت و رسوخ ایمانشان می‌گردد و از برای نفوس ضعیفه اعظم بلایاست؛ چه که موجب تزلزل ایمان و در نتیجه خجالت و رسوایی آنان می‌گردد و این است از ثمرات آن تأییدات الهیه.^{۶۹}

آن وجود مقدّس در لوحی دیگر در بیان رابطه شدّت بلایا و شدائد و ظهور تأییدات الهیه نیز چنین می‌فرمایند: "هرچه زحمت و مشقّت بیشتر باشد، باید شکر و حمد نمود که سبب ظهور تأیید و عنایت ملکوت ابهی است."^{۷۰}

حضرت ولی امرالله نیز در یکی از توابع مبارکه می‌فرمایند که برای استقرار و اعتلای امر در جهان، فداکاری فردی لازم است. البته باید اطمینان داشته باشیم هر عمل صحیحی که انجام می‌دهیم خداوند نیز در انجام رساندن آن ما را یاری می‌نماید و به این وسیله، برکات الهیه احاطه می‌نماید و این جاست که پی می‌بریم "بلا فی الحقیقه عین عطاست."^{۷۱}

۱۴- فائز شدن به مقام و منزلت عظیم مودوعه در آثار الهی

براساس آنچه که در آثار الهیه بیان گردیده است، نفوسی که در سبیل حق تحمّل مصائب و بلایا نمایند و جانفشانی و استقامت کنند، در درگاه الهی صاحب مقام و منزلتی والا و عظیم می‌باشند.

ملاحظه نمایید عظمت مقام شهدای امر و نیز نفوسی را که در سبیل حق متحمّل محن و آلام شدید گردیده‌اند. در این مناجات قلم اعلیٰ، محبوب جانان، آنان را چنین شفیع و مجیر ما در این عالم ادنی قرار می‌دهند. قوله العزیز:

"سؤال می‌کنم ترا به دمائی که در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسی که سطوت ظالمین و ظلم مشرکین، ایشان را از توجّه به تو منع نمود و از تقرّب بازداشت این که کنیز خود را از نفاق ناعقین و شبّهات مریبین حفظ فرمایی و در ظلّ قباب اسم کریمت مأوی دهی."^{۷۲}

لسان عظمت در بیانی دیگر نفوسی را که در سبیل الهی تحمّل بلایا نموده‌اند، به القاب فخیمه اولیا و مقرّبین حق مخاطب و ملقّب می‌فرمایند - چنان که از پیش گذشت - و در بیانی دیگر بلایا را مخصوص اصفیای حقّ مقررّ می‌فرمایند.^{۷۳}

حضرت عبدالبهاء نیز جام بلا را مخصوص ملاء اعلیٰ دانسته، آنگاه نفوس لایق این مقام را چنین توصیف می‌فرماید:

"... این جام سرشار بلا در سبیل بهاء مخصوص ملاء اعلیٰ است. هر حلقی سزاوار آن شراب نه و هر گیاهی لایق فیض آن سحاب نیست. در عشق جمال آن گل، بلبل معانی را جانفشانی لایق، نه جعل ظلمانی. دلبر آفاق را عاشق صادق آشفته و مشتاق، نه هر کاذب بداخلاق. شمع نورانی را پروانهٔ رحمانی سرگشته و سرگردان، نه خفاش کور نادان." ۷۴

مرکز میثاق در بیانی دیگر، ستم‌دیدگان سبیل جمال محبوب را به القاب شامخهٔ ذیل ملقب می‌فرماید: "نفوسی که در سبیل الهی در صدمه و مصیبت افتادند و جام بلا نوشیدند، آن اشخاص در ساحت مقدّس از جواهر وجود معدودند و مظاهر الطاف نامحدود خواهند گشت." ۷۵

حضرت ولیّ محبوب امرالله نیز در آثار خویش، قدر و منزلت یاران الهی را ستوده و آنان را به القابی مهیمن مخاطب می‌فرماید. از آن جمله در یکی از توقیعات مبارکه، مولای محبوب با اشاره به موهبتی که نصیب "خاصّان حق" در کشور مقدّس ایران شده، که با ایثار جان و مال خویش موجبات ائتلاف و اتحاد اقوام و ملل متنوّعهٔ جهان و در نتیجه اعتلای امرالهی را فراهم آورند، در وصف جایگاه رفیع آن دلدادگان جمال حق چنین می‌فرماید:

"... خوشا به حال شما ای برگزیدگان حضرت کبریا! چه که نخبهٔ احرارید و سرور اختیار. در بوتهٔ امتحان کراراً و مراراً چون ذهب ابریز رخ برافروختید و از لواقع افتتان خموش و افسرده نگشتید. شمائید سروران حقیقی جُند ملکوت‌الله، شمائید منادیان حقیقی امر جمال ابهی. ملح ارضید و چون شریان در جسم امکان نباض، عرق حیاتید و مایهٔ نجات و سعادت جهان و جهانیان." ۷۶

بیت‌العدل اعظم الهی نیز در پیام‌هایشان مکرراً ذکر مقام و منزلت یاران الهی بالاخصّ یاران مهد امرالله می‌نمایند. معهد اعلیٰ در پیام مورّخ دوّم رضوان ۱۴۳ بدیع، مقام یاران ایران را چنین تجلیل می‌فرماید: "یاران عزیز ایران شمع انجمن

روحانیانند و به نور وفا و استقامت، درخشنده و تابان. البتّه آن مقربان درگاه کبریا در مقامات مقدّسه علیا به کرات و مرات یاد شده و می‌شوند."
 و در پیام مورّخ سوّم نوامبر ۱۹۸۶ میلادی نیز چنین می‌فرمایند:
 "... شگّی نبوده و نیست که سالکان سیل وفا در ایران که به محبّت جمال ابهی فائز و به استقامت در مقابل شدائد و بلایا موفّق و مفتخرند، سرحلقه عاشقان جمال رحمن محسوبند و قدر و منزلتشان در پیشگاه حق و در نزد خلق معلوم و واضح."
 آن مرجع مصون از خطا در پیام مورّخ ۱۳۶۳/۶/۲۰ احبّای ایران را چنین مخاطب می‌فرمایند:

"دوستان معنوی ایران! تمام عالم امر به وجود شماها افتخار می‌کنند. حقیقتاً یاران ایران، مبدأ حرارت و مرکز حرکت هستند و قدر این مقام و خدمات را بدانند. . . معهد اعلیٰ چقدر تقدیس می‌کند افرادی را که در میدان خدمت در ایران باشند. آنهایی که در میدان خدمت هستند، قدر این ایام را بدانند، علی‌الخصوص جوانان عزیز. یاران باید بدانند کلیّه این وقایع جز اراده‌الله چیز دیگری نیست. زیرا اگر چنین چیزی نبود، امرالله از مجهولیت خارج نمی‌شد. احبّای ایران در مسیر نقشه الهی قرار گرفته‌اند. . . مطمئن باشید که هزاران هزار در عالم هستند که به حال شما غبطه می‌خورند، خوشا به حال شما که فرع شجره مبارکه هستید."

بنابراین چون احبّای الهی منتسب به آستان الهی هستند و به منزله فروع و اوراق سدره مبارکه الهیه می‌باشند، آنچه بر اصل وارد می‌شود بر فرع آن نیز وارد می‌گردد. چنانکه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"... بلایایی که بر احبّای الهی وارد و صدمات و اذیّات و مصیباتی که بر عاشقان جمال رحمانی نازل می‌شود، حکمتش این است که چون این نفوس مقدّسه به منزله فروع و اوراق سدره مبارکه الهیه هستند، لهذا آنچه بر اصل شجره مبارکه الهیه وارد، البتّه بر فروع و اوراق آن نیز نازل می‌شود..."^{۷۷}

با توجه به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء و آنچه که معهد اعلیٰ فرمودند در واقع احبای الهی با تحمل بلایا و صدمات وارده، ادعای انتساب به آستان الهی و فرع شجره مبارکه بودن را به منصفه ظهور و بروز رسانده‌اند.

در پایان بررسی نتایج بلایا برای اهل بهاء به این نکته می‌رسیم که یقیناً می‌توان بسیاری از کمالات و فضائل انسانی و روحانی را به عنوان نتایج و ثمرات بلایا ذکر کرد که اشاره به همه آنها در اینجا موجب تطویل کلام می‌گردد. اما نکته‌ای که در اینجا شایان ذکر است این است که کیفیتی که بلا در فرد بوجود می‌آورد و اثرات و ثمراتی که بدنبال دارد هر یک به قدر لیاقت و قابلیت نفوس می‌باشد. این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را ملاحظه نمائید، می‌فرمایند:

"چون اعظم بلایا و محن و آلام و اشد متاعب سجن و سلاسل و اغلال را حق بنفسه، در سبیل جمالش حمل فرمود و به کمال سرور و حبور و تمام روح و ریحان ایام مبارک را در سجن و زندان بگذراند، شما نیز ای احبای الهی هر یک به قدر لیاقت و استعداد خویش از این موهبت عظمی بهره باید ببرید و از این رحمت کبری نصیبی باید بگیرید. . . ۷۸"

ج- ثمرات و نتایج بلایای وارده بر عالم بشری

نوع بشر به سبب غفلت از حق و اصول و تعالیم الهی و نیز به جهت ارتکاب معاصی و آلودگی‌های دنیوی، به بلای مبرم و خانمان‌سوزی دچار شده است. همانطور که حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: ". . . غفلت عباد و اعمال باطله ایشان بصور بلایای مختلفه ظاهر شده و ارض را احاطه کرده . . . ۷۹" این نوع بلا درحقیقت قضای الهی است که علاوه بر تنبیه و تأدیب عالم بشری، جنبه تهذیب و تطهیر را نیز به همراه دارد. چنانکه حضرت ولی امرالله اشاره می‌فرمایند:

"خداوند در مقابل اعمال خلاف انباء خود تنها به مجازات اکتفا نمی‌کند. خداوند قصاص می‌کند چه که عادل است و تنبیه می‌کند چه که محبت دارد و همین که آنها را تنبیه نمود نظر به رحمت کبری خود آنها را به خود وانمی‌گذارد و با نفس عمل تنبیه، آنان را برای

انجام مأموریتی که آنها را برای آن بوجود آورده، آماده می‌سازد. این است که بوسیله حضرت بهاءالله به آنها چنین اطمینان داده است "بلائی عنایتی ظاهره ناز و نغمه و باطنه نور و رحمة". . . این نار صرفاً برای مجازات و خرابی نیست، بلکه قوه تهذیبیه خلاقه‌ایست که منظورش نجات تمام ارض بوسیله وحدت است. خداوند خفیاً و متدرجاً و مُصراً نقشه خود را بانجام می‌رساند. . .^{۸۰}

بنابراین، این نوع مصائب و بلایا نیز می‌تواند مسیر را برای وصول بشریت به عالی‌ترین هدف و مقصد الهی که نجات اهل ارض و برقراری صلح و وحدت در میان نوع بشر می‌باشد، هموار سازد که ذیلاً به اهمّ موارد آن اشاره می‌گردد:

۱- برقراری عدالت و نظم در عالم

اهل ارض و در رأس آن حکومت‌های ظالمه، علما، ناقضین و معرضین از امر الهی به علت ارتکاب سیئات و معاصی و غفلت از تعالیم الهی به مجازات مودوعه در بیانات قلم اعلیٰ گرفتار و به عقوبتی شدید معذب گردیده‌اند، قوله العزیز: "ای مردم، ما از برای شما میقاتی معین نمودیم که اگر در ساعت معین از توجه به خدا غفلت کنید، خداوند شما را از جمیع جهات به عذاب الیم معذب خواهد ساخت. بدرستی که او شدید العقاب است."^{۸۱}

و اما در مورد این که مجازات نفوس بشری چه نتایج و ثمراتی بدنبال دارد، حضرت بهاءالله می‌فرمایند: ". . . یا حزب الله مربی عالم عدل است، چه که دارای دو رکن است، مجازات و مکافات، و این دو رکن دو چشمه‌اند از برای حیات اهل عالم."^{۸۲}

در مقامی دیگر لسان حق به این بیان مبارک ناطق، قوله الکریم: "خیمه نظم عالم به دو ستون قائم و پابرجا: مجازات و مکافات."^{۸۳} بدین ترتیب مجازات سبب ایجاد نظم و عدالت در عالم بشری می‌گردد، عدلی که به فرموده حضرت بهاءالله جندی قوی‌تر از آن در عالم نبوده و نیست^{۸۴} و به فرموده حضرت شوقی ربّانی، تنها بر روی آن است که بنیاد صلح اعظم مستقر می‌گردد.^{۸۵}

۲- تنبّه و تذکّر بشری

مفاسد و مشکلات روز افزون موجود در جهان خود موجب تنبّه عالمیان می‌گردد، چه که به آنها ثابت می‌نماید طریقی که تا بحال طیّ کرده‌اند و یا وسایلی که به آن متوسّل گردیده‌اند اشتباه بوده است. در آن زمان است که نفوس بتدریج از خواب غفلت بیدار گشته به ضرورت وجود شریعت الهی به مقتضای هر زمان و خصوصاً به اهمیّت دستورات و تعالیم حضرت بهاءالله، که تنها داروی معالج این دنیای مریض است، پی می‌برند؛ چنان که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"روز به روز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است، عاقبت به درجه‌ای رسد که بنیّه انسانی را تحمّل نماند. آن وقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آیین، نور مبین و احکام و نصایح و تعالیم الهی محیی روی زمین."^{۸۶}

۳- تکامل عالم انسانی و وصول آن به مرحله بلوغ اجتماعی

انقلابات، اغتشاشات و مصیبات موجود در جهان به صریح آثار الهی، مبین تکامل تدریجی عالم انسانی و وصول آن به مرحله رشد و بلوغ اجتماعی است و همانطور که نشانه بلوغ در یک فرد نوجوان، نافرمانی، سرکشی، ناسازگاری و بی‌اعتنایی به نظم و ترتیب حاکمه می‌باشد، در عالم بشری نیز این نشانه، غفلت و بی‌توجهی جهانیان به تعالیم حق، نافرمانی کردن از دستورات الهیه و بطور کلی ایجاد بی‌نظمی و اغتشاش می‌باشد. به این بیان حضرت ولی امرالله توجه نمایند، می‌فرمایند:

"آن چه ما در حال حاضر یعنی دوره (وخیم‌ترین بحران‌های تاریخ مدنیت) مشاهده می‌کنیم، این اوقاتی که زمان (زوال و تولّد ادیان) را به خاطر می‌آورد، مرحله عنفوان جوانی دوره تکامل تدریجی و پرزحمت انسانی می‌باشد و مقدمه وصول به مرحله رشد و بلوغ است که وعده آن ضمن تعالیم مبارکه مندرج و در نبوّات حضرت بهاءالله مودوع است. اغتشاش این دوره استحاله از خصائص حدّت و غرائز

کم خردی جوانی است که نادانی‌ها و اصرافها و نخوت‌ها و اعتماد به نفس و نافرمانی و بی‌اعتنایی به نظم و ترتیب از مختصات آنست.^{۸۷} بیت‌العدل اعظم نیز در پیام وعده صلح جهانی، نوید وصول عالم بشری به مرحله بلوغ را اعلان می‌فرمایند:

" . . . عالم بشری به منزله یک واحد ممتاز و زنده، مراحل تکامل چندی را مشابه مراحل شیرخوارگی و کودکی یک فرد، طی کرده و در این زمان به آخرین مراحل پرشور و شرنو جوانی رسیده که خود مقدمه ورود به مرحله بلوغ موعود است. اگر صادقانه اذعان کنیم که تعصب و جنگ و استثمار همه مظاهر مراحل کودکی و نابالغی بشر در مسیر گسترده تاریخی‌اش بوده و اگر قبول کنیم که این سرکشی و طغیان، که امروز نوع بشر ناچار بدان مبتلاست، علامت وصول هیئت اجتماع به مرحله بلوغ اوست، آن وقت جایی دیگر برای یأس و حرمان باقی نمی‌ماند، زیرا دیگر همه آنها از لوازم ضروری و از عزم جزم بشر در بنای یک عالم مقرون به صلح و آرامش به شمار می‌آید."

۴- ترقی درک و اندیشه نفوس بشری در تحقق صلح اعظم

چنان‌که می‌دانیم و پیش از این نیز گفته شد مقصد متعالی امر بهائی، حصول وحدت عالم انسانی و تحقق صلح اعظم می‌باشد. لازمه وصول به این هدف و مقصد عالی، ترقی درک و اندیشه عالم بشری است و این ترقی و تحوّل نیز بنا به صریح آیات و آثار الهی، از طریق مصائب و بلیاتی که جهان کنونی را فرا گرفته، متحقق می‌گردد، چنان‌که حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: "این بلائی عظمی، عالم را برای درک صلح اعظم آماده می‌سازد."^{۸۸}

حضرت عبدالبهاء نیز درخصوص حکمت حرب و از جمله جنگ جهانی اول چنین می‌فرمایند: ". . . باری بعد از این حرب عمومی، ناس را به جهت استماع تعالیم الهی، استعدادی فوق‌العاده حاصل گردد، زیرا حکمت این حرب اینست تا بر کلّ معلوم شود که آتش حرب جهان‌سوز است و انوار صلح، عالم‌افروز. . ."^{۸۹}

حضرت ولیّ امرالله نیز درخصوص نتایج بلیّات و مصائب جهانی چنین می‌فرمایند:

"... افسوس و دریغ! که امروز فقط قوه بلیّات و مصائب است که ظاهراً می‌تواند دوره جدیدی را در طرز فکر مردم جهان آغاز نماید. افسوس و دریغ که هیچ چیز به جز آتش سوزان امتحان و بلیّات نمی‌تواند عوامل متضاد و متخاصمی را که اجزاء مرکبه تمدن امروزه ماست، چنان درهم ذوب نماید و به هم جوش دهد که همه آنها را اجزاء مرکبه یک اتحادیه جهانی آینده گرداند."^{۹۰}

شواهد و مصادیق بیانات مبارکه و علائم نویدبخش درخصوص ترقی فکر و اندیشه درجهت استقرار صلح جهانی در دنیای معاصر را می‌توان در پیام وعده صلح جهانی بیت‌العدل اعظم مورخ ۱۹۸۵ جستجو کرد. از آن جمله است: بوجود آمدن جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول که اکنون سازمان ملل متحد نام گرفته است؛ انتشار اعلامیه حقوق بشر و اعلامیه‌های دیگر توسط این سازمان؛ تلاش ملت‌های جهان در جهت کسب استقلال کشورهای خویش بعد از جنگ جهانی دوم؛ افزایش مجامع و سازمان‌های بین‌المللی خیریه؛ توسعه نهضت‌های زنان و جوانان با هدف خاتمه‌دادن به جنگ و جدال و...

همین علائم دل‌گرم‌کننده است که صلح اصغر را تحقق می‌بخشد. صلحی که به فرموده حضرت ولیّ محبوب امرالله، ملل و دول جهان، مبادی عمومی آن را ناآگاهانه و بدون اطلاع از وقوعش، اجرا و مستقر خواهند نمود. صلحی که مقدمه صلح اعظم و متضمن وحدت نوع بشر خواهد بود.^{۹۱} آنچه که درخاتمه شایان تأمل است، این است که فضل و عنایت حق در این دور اعظم متوجه کلّ عالم است، آن چنان که قلم اعلیٰ می‌فرمایند:

"امروز بابی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کلّ. عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده می‌شود. یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت، دریا دیده می‌شود."^{۹۲}

مآخذ و یادداشت‌ها

- ۱- آثار قلم اعلیٰ، ج ۶، ص ۱۹۶.
- ۲- مائدهٔ آسمانی، ج ۸، صص ۴۸ و ۴۹.
- ۳- مکاتیب، ج ۲، ص ۲۰۶.
- ۴- لوح سلطان، صص ۷۴ و ۷۵.
- ۵- توقیع ۱۰۱، صص ۲۱-۲۲ (نقل به مضمون).
- ۶- ایضاً (نقل به مضمون).
- ۷- مجموعهٔ الواح مبارکه، صص ۳۷۰-۳۷۱.
- ۸- مائدهٔ آسمانی، ج ۵، ص ۱۶۶.
- ۹- توقیع ۱۱۰ (نقل از مقاله "وحدت عالم انسانی" نوشتهٔ محمود مجذوب).
- ۱۰- پیام مورّخ شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع، مطابق با مارس ۱۹۸۶ میلادی.
- ۱۱- مکاتیب، ج ۴، ص ۶۷.
- ۱۲- مائدهٔ آسمانی، ج ۳، ص ۴۹.
- ۱۳- آیهٔ قرآن کریم، سورهٔ نصر، آیهٔ ۲.
- ۱۴- نقل از پیام مورّخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع، مطابق با ژانویه ۱۹۸۵ م. (نقل به مضمون).
- ۱۵- نقل از پیام بیت‌العدل اعظم، مورّخ آپریل ۱۹۸۸ م.
- ۱۶- مکاتیب، ج ۳، ص ۸۴.
- ۱۷- قرن بدیع، ج ۴، ص ۲۸۵.
- ۱۸- پیام مورّخ شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع، مطابق با مارس ۱۹۸۶ م. (نقل به مضمون).
- ۱۹- مائدهٔ آسمانی، ج ۸، ص ۵۷.
- ۲۰- توقیع ۱۰۱، ص ۱۷۵. مضمون بیان مبارک: به واسطهٔ ظلم آنها، امر را مرتفع نمودیم و ذکر اسم پروردگارت رادر شهرها انتشار دادیم. به واسطهٔ منع آنها اقبال ظهور و بروز کرد و به واسطهٔ ظلم آنها خورشید عدالت طلوع نمود. فکر کنید تا دریابیدای صاحبان خرد.
- ۲۱- توقیع ۱۰۱، ص ۱۷۴. مضمون بیان مبارک: با بلا امرش مرتفع می‌شود و ذکرش بلند می‌گردد.

- ۲۲- منتخبات الواح و آثار مبارکه، ص ۹۵.
- ۲۳- مکاتیب، ج ۱، ص ۴۲۸.
- ۲۴- اشراقات، صص ۱۳۳-۱۴۱.
- ۲۵- لوح ابن ابهر، نقل از مائده آسمانی، ج ۵، ص ۳۶.
- ۲۶- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۲.
- ۲۷- مکاتیب، ج ۵، ص ۵۸.
- ۲۸- مکاتیب، ج ۲، ص ۲۶۹؛ و ج ۳، ص ۱۸۵.
- ۲۹- منتخباتی از الواح و آثار مبارکه، ص ۱۲۵.
- ۳۰- مکاتیب، ج ۳، ص ۱۶۱.
- ۳۱- مائده آسمانی، ج ۵، ص ۳۶.
- ۳۲- نمونه حیات بهائی، ص ۹.
- ۳۳- ایضاً، ص ۱۵ (نقل به مضمون).
- ۳۴- ایضاً، ص ۱۹ (نقل به مضمون).
- ۳۵- ایام تسعه، خلاصه مضامین بیانات مبارکه در صص ۲۶۹، ۲۷۰ و ۲۸۸.
- ۳۶- لوح برهان، نقل از مجموعه الواح مبارکه، ص ۵۸. مضمون بیان مبارک: هرچقدر بلا افزون گشت، برحبّ اهل بهاء نیز افزوده گردید. بر صداقت آنها شهادت داده، آنچه که خداوند در قرآن نازل فرموده است: تمنای مرگ کنیداگر از راستگویان می باشید.
- ۳۷- لوح ابن ذئب، ص ۷۰. مضمون بیان مبارک: پاکی تو ای پروردگارا! اگر بلايا در سیبیت نبود، چگونه مقام عاشقانت ظاهر می شد و اگر رزایا در طریق حبّ تو نبود، به چه چیزی شأن مشتاقانت ثابت می شد.
- ۳۸- مضمون بیان مبارک: اگر در سیبیل من برتو بلا وارد نشود، چگونه می توانی در سیبیل کسانی که راضی به رضای من شده اند سلوک نمائی.
- ۳۹- منتخبات آثار، ج ۲، ص ۸۴.
- ۴۰- مثل اعلیٰ، فروغ ارباب، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷ بدیع، صص ۱۲-۱۳.

- ۴۱- خُلَّار: "خُلَّر" هم گیاهی است وهم موضعی قرب شیراز که شراب آن مشهور است (برهان قاطع، ص ۷۶۵).
- ۴۲- مائده آسمانی، ج ۵، ص ۳۷.
- ۴۳- مکاتیب، ج ۵، صص ۱۴۶-۱۴۷.
- ۴۴- ایضاً، ص ۱۴.
- ۴۵- ایقان مبارکه، ص ۱۹۵. مضمون بیان مبارک: ای بقیة الله (حضرت بهاء الله!) (من) تمام هستی خود را فدای تو کرده‌ام و به شنیدن دشنام در سبیل تو راضی شده‌ام و آرزویی جز کشته شدن در راه محبت تو ندارم و خداوند بلند مرتبه پناه‌دهنده، مرا کفایت می‌کند.
- ۴۶- مجموعه مناجات حضرت عبدالبهاء، ص ۱۲۱. مضمون بیان مبارک: ای پروردگار مرا کأس فنا و نیستی بنوشان و لباس فنا بپوشان و مرا در دریای فنا غرق کن و مرا غبار راه احبایت قرار بده و مرا از برای زمینی که برگزیدگانت در سبیل تو، ای پروردگار عزت و بلندی، بر آن قدم می‌گذارند، فدا نما.
- ۴۷- مکاتیب، ج ۸، ص ۱۱۳.
- ۴۸- نمونه حیات بهائی، ص ۳۷.
- ۴۹- مائده آسمانی، ج ۸، صص ۴۰-۴۱.
- ۵۰- مائده آسمانی، ج ۴، صص ۱۶۸-۱۶۹.
- ۵۱- ایضاً، صص ۱۲۳-۱۲۴.
- ۵۲- مجموعه الواح مبارکه، ص ۲۷.
- ۵۳- ایضاً، ص ۳۲. مضمون بیان مبارک: با جوهر نور هر آنچه را بر تو نازل کردیم بر لوح روح بنویس و اگر توانایی انجام آن کار را نداری پس آن را با جوهر قلب بنویس و اگر توانایی انجام آن را نیز نداری پس با جوهر سرخی که در سبیل من ریخته شده بنویس. به درستی که آن در نزد من از هر شیئی دیگر شیرین تر است، برای این که نورش برای همیشه باقی است.
- ۵۴- نقل از نوار جناب طراز الله سمندری، شماره ۶۳ (نقل به مضمون).
- ۵۵- مکاتیب، ج ۸، ص ۵۹ (نقل به مضمون).
- ۵۶- مکاتیب، ج ۳، ص ۴۳۱ (نقل به مضمون).

- ۵۷- مکاتیب، ج ۱، صص ۳۸۶-۳۸۷.
- ۵۸- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۲۱.
- ۵۹- ایضاً، صص ۲۱-۲۲.
- ۶۰- ایضاً، ص ۲۲: "سوف نفتح علی وجوه الذین استقاموا ابواباً إذا دخلوا یرون أنفسهم سلاطین الوجود."
- ۶۱- مکاتیب، ج ۶، ص ۱۴۱.
- ۶۲- مکاتیب، ج ۳، ص ۷۷.
- ۶۳- آثار قلم اعلیٰ، ج ۶، صص ۱۹۴-۱۹۵.
- ۶۴- مکاتیب، ج ۵، صص ۸۲-۸۳.
- ۶۵- قرن بدیع، ج ۱، خلاصه ای از صص ۳۴۶ الی ۳۴۸ (شعر از مولاناست).
- ۶۶- نقل از پیام بیت العدل اعظم، مورخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع.
- ۶۷- آثار قلم اعلیٰ، ج ۶، ص ۱۹۴.
- ۶۸- نمونه حیات بهائی، صص ۱۴-۱۵.
- ۶۹- مکاتیب، ج ۳، صص ۱۸۴-۱۸۵ (نقل به مضمون).
- ۷۰- مکاتیب، ج ۵، ص ۱۴۸.
- ۷۱- نمونه حیات بهائی، ص ۵۱ (نقل به مضمون).
- ۷۲- نقل از پیام بیت العدل اعظم، مورخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع.
- ۷۳- مائده آسمانی، ج ۴، ص ۴۳، (نقل به مضمون).
- ۷۴- مکاتیب، ج ۸، ص ۱۸.
- ۷۵- مکاتیب، ج ۴، ص ۷۵.
- ۷۶- نقل از پیام بیت العدل اعظم، مورخ شهرالشرف ۱۴۱ بدیع.
- ۷۷- مکاتیب، ج ۴، ص ۵۶.
- ۷۸- ایضاً.
- ۷۹- مائده آسمانی، ج ۸، ص ۵۸.
- ۸۰- توقیع "قد ظهر یوم المیعاد"، صص ۱۸۳-۱۸۴.
- ۸۱- ایضاً، صص ۵-۶ (ترجمه).
- ۸۲- بشارات، نقل از مجموعه الواح مبارکه، ص ۱۲۲.

- ۸۳- لوح مقصود، مندرج در "دریای دانش"، ص ۱۵.
- ۸۴- ایضاً، ص ۱۶ (نقل به مضمون).
- ۸۵- توقیع "قدظهریوم المیعاد"، صص ۶-۷ (نقل به مضمون).
- ۸۶- نقل از پیام بیت العدل اعظم، مورّخ ۴ شهر الملک ۱۳۶ بدیع.
- ۸۷- توقیع "قد ظهر یوم المیعاد"، ص ۱۸۶.
- ۸۸- ایضاً، ص ۶.
- ۸۹- مکاتیب، ج ۳، ص ۳۳.
- ۹۰- نظم جهانی بهائی، ترجمه و اقتباس هوشمند فتح اعظم، کانادا، مؤسسه معارف بهائی، ۱۹۸۹ م.، ص ۶۵.
- ۹۱- توقیع "قد ظهر یوم المیعاد"، خلاصه‌ای از صص ۱۹۶-۱۹۷.
- ۹۲- توقیع ۱۰۱، صص ۲۶-۲۷.